



Critical Future study of Iranian Schools in Perspective of 1420

Mohammadreza. Tohidi Atashgah*¹, Nader. Soleimani² & Hamid. Shafizadeh³

1. PhD student in educational management, Garmsar branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.
2. Department of Educational Management, Islamic Azad University, Garmsar Branch, Garmsar, Iran.
3. Department of Educational Management, Islamic Azad University, Garmsar Branch, Garmsar, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article type

Original research

Pages: 248-263

Corresponding Author's Info

Email: semoreto@gmail.com

Article history:

Received: 2022/08/01

Revised: 2022/12/07

Accepted: 2023/01/13

Published online: 2023/03/18

Keywords:

School Future study, Critical Approach, Theme Analysis.

ABSTRACT

Background and Aim: Critical futurism is one of the futurism approaches that actually questions the future, which helps us to understand it by analyzing, liberating, and deepening the future. The current research aims to examine the future of Iranian schools with a critical approach, challenges the current state of schools with questions about the future of schools, so that we educate the future generation of teenagers and young people with the methods of the past! let's not go ahead Critical futurism may not show us a clear and clear path to the future, but by drawing possible and undesirable futures, it makes us aware of potential risks, so that we can use its central themes in long-term plans. **Methods:** The present study is of qualitative type "theme analysis". With the help of library studies and determining the areas related to the future of schools by the method of "selecting" semi-structured interviews with former ministers of education, sociologists and influential intellectuals of the society, managers and teachers of schools interested in the future of schools and future researchers. Interested in training. The researcher started the thematic analysis process by implementing the data and engaging with, then categorizing and coding. In the continuation of the work, he has searched for themes and visual presentation of themes. In the next stages, the review of the themes was done with the intention of refining, conceptualizing the themes and finally analyzing, interpreting and drawing conclusions. **Results:** 8 key factors with the titles of ideological dominance, concern of education for governance, administrative management of education, distrust of families in schools, lack of development of teachers, termination of schools, educational injustice and dominance of virtual space have been identified and the analysis of each factor has been done. **Conclusion:** The relationship between the themes is very connected and interwoven. Some of these themes have a more influential role and some of them are more influential, which shows the complexity of change.



This work is published under CC BY-NC 4.0 licence.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article:

Tohidi Atashgah, M., Soleimani, N., & Shafizade, H. (2022). Critical Future study of Iranian Schools in Perspective of 1420. *Jayps*, 3(3): 248-263.



آینده پژوهی انتقادی مدارس ایران با توجه به نسل نوجوان و جوان در افق ۱۴۲۰

سید محمدرضا توحیدی آتسگاه*^۱، نادر سلیمانی^۲ و حمید شفیع زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران
۲. گروه مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، گرمسار، ایران
۳. گروه مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، گرمسار، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۲۴۸-۲۴۳	<p>زمینه و هدف: آینده پژوهی انتقادی یکی از رویکردهای آینده پژوهی است که در واقع از آینده پرسش می‌کند که با تحلیل و آزاد سازی و عمق بخشی آینده، به درک ما از آن کمک می‌کند. پژوهش حاضر باهدف بررسی آینده مدارس ایران با رویکرد انتقادی، وضعیت حال حاضر مدارس را با پرسش‌هایی از آینده مدارس به چالش می‌کشد تا دیگر مثل امروز که با روش‌های گذشته نسل آینده نوجوان و جوان را تربیت می‌کنیم! پیش نرویم. شاید آینده پژوهی انتقادی به ما مسیر آینده را روشن و شفاف نشان ندهد اما با ترسیم آینده‌های نامطلوب و محتمل ما را نسبت دفع خطرهای احتمالی هشیار می‌سازد تا بتوانیم در برنامه‌های بلند مدت از مضامین محوری آن استفاده کنیم. روش پژوهش: مطالعه حاضر از نوع کیفی "تحلیل مضمون" است. به کمک مطالعات کتابخانه‌ای و مشخص شدن حوزه‌های مرتبط با آینده مدارس به روش "به گزینی" مصاحبه‌های نیمه ساختارمند با وزرای سابق آموزش و پرورش، جامعه شناسان و روشنفکران تاثیرگذار جامعه، مدیران و معلمان مدارس علاقه مند به آینده مدارس و آینده پژوهان علاقه مند به آموزش انجام شد. محقق فرآیند تحلیل مضمون را با پیاده سازی داده‌ها و درگیری با آغاز کرد، سپس اقدام به مقوله بندی و کدسازی کرده است. در ادامه کار نیز به جستجو برای یافتن مضمون‌ها و نمایش دیداری مضمون‌ها پرداخته است. در مراحل بعدی نیز مرور مضمون‌ها به قصد پالایش، مفهوم سازی مضمون‌ها و نهایتاً تحلیل، تفسیر و نتیجه گیری انجام شده است. یافته‌ها: ۸ عامل کلیدی با عناوین سلطه ایدئولوژی، دغدغه آموزش و پرورش برای حاکمیت، مدیریت اداری آموزش و پرورش، بی‌اعتمادی خانواده‌ها به مدرسه، توسعه نیافتگی معلمان، پایان مدارس، بی‌عدالتی آموزشی و غلبه فضای مجازی، شناسایی شده و به تحلیل تک تک عوامل پرداخته است. نتیجه‌گیری: ارتباط بین مضمون‌ها بسیار به هم پیوسته و در هم تنیده است. بعضی از این مضامین نقش تاثیرگذاری بیشتری دارند و بعضی از آن‌ها نیز بیشتر تاثیر پذیر هستند که این وابستگی نشان از پیچیدگی تغییر دارد.</p>
اطلاعات نویسنده مسئول ایمیل: semoreto@gmail.com	
سابقه مقاله	
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰ تاریخ اصلاح مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۱۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۰/۲۳ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷	
واژگان کلیدی آینده پژوهی مدارس، رویکرد انتقادی، تحلیل مضمون، نسل نوجوان و جوان.	
انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است. تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.	



شیوه استناد به این مقاله

توحیدی آتسگاه، سید محمدرضا، سلیمانی، نادر، و شفیع زاده، حمید. (۱۴۰۱). آینده پژوهی انتقادی مدارس ایران با توجه به نسل نوجوان و جوان در افق ۱۴۲۰. دوفصلنامه مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان، ۳(۳): ۲۴۳-۲۴۸.

مقدمه

شکل گیری اعتقاد دانش آموزان در مورد آینده خود نقش دارد. لذا افزایش ویژگی های اثر بخشی مدرسه می تواند روشی برای نشان دادن و ترویج پیشرفت مثبت و چشم انداز روشن تر از طریق روش هایی مثل رابطه خوب دانش آموز و معلم و دستاوردها و انگیزه های خوب تحصیلی از آینده، برای نوجوانان باشد.

در سال ۲۰۱۶ تحقیقی با عنوان جو و فضای سوگیری نسبت به آینده در کلاس درس در رابطه با بزهکاری نوجوانان، مصرف زیاد الکل و مشکلات درونی توسط سوزان الم و سارا لافمن انجام شد. در این تحقیق تلاش شده بود میزان اثر بخشی سوگیری نسبت به آینده در مواردی چون بزهکاری نوجوانان، مصرف بالای الکل و مشکلات درونی بررسی شود. نتایج این تحقیق نشان می دهد که در کلاس هایی که درصد بالایی از دانش آموزان سوگیری مثبتی نسبت به آینده دارند، خطر استفاده جدی از الکل در آن ها نسبت به دیگر دانش آموزان کلاس، پایین تر بود. علاوه بر این بالا بودن مثبت نگری نسبت به آینده در بین دانش آموزان با کمتر بودن مشکلات درونی ارتباط داشت. همچنین بعد از کنترل سوگیری های فردی، اجتماعی و اقتصادی در سطح فردی و کلاس مدرسه، می توان نتیجه گرفت که محیط کلاس از نظر جو کلی (نسبت به سوگیری در مورد آینده) ممکن است در بوجود آمدن پیامدهای فردی در قالب رفتارهای مخرب و سلامت روان، نقش داشته باشد.

در تحقیقات بالا می توان میزان اثر مدرسه و روابط حاکم بر آن را در پیشگیری از آسیب های نوجوانان و جوانان مشاهده کرد. اما از طرفی مدارس نقش مخربی بر روی دانش آموزان نیز بازی می کنند. روز به روز تعداد بیشتری از دانش آموزان، مواد محرک مثل ریتالین^۱ مصرف می کنند. سال ۲۰۱۱، سه و نیم میلیون کودک آمریکایی، برای درمان اختلال " بیش فعالی همراه با کم توجهی"^۲ دارو می خوردند. در بریتانیا این تعداد از ۹۲ هزار نفر در سال ۱۹۹۷ به ۷۸۰ هزار و ۶۰۰ نفر در سال ۲۰۱۲ رسید. هدف اصلی، درمان کم توجهی بود اما امروزه بچه های

بررسی وضعیت آینده تعلیم و تربیت و مدارس در بیشتر کتاب های آینده پژوهی محل بحث است و نقطه نظرات متفاوتی در مورد آینده مدارس وجود دارد. عده ای مثل پیتر دراگر در اوایل قرن بیستم معتقد بودند دانشگاه ها و مدارس تا سی سال آینده تبدیل به موزه های باستان شناسی خواهند شد (پلیا، ۱۴۰۱) و عده ای نیز هنوز معتقدند مدارس هنوز اصلی ترین مرکز ارتباطات و انتقال دانش کودکان و نوجوانان خواهد بود. آن ها معتقد هستند که با وجود همه انتقاداتی که به نظام آموزشی (که کم هم نیست) وارد است، قدرت نهادهای اجتماعی که علاقه مند به حفظ مدرسه هستند بیش از قدرت تکنولوژی و نظام سرمایه داری است. تحقیقی در مارس ۲۰۱۸ با یک سوال انجام شد و اینکه آیا در آینده به وجود مدارس نیاز است؟ چرا؟ نزدیک به ۷۰ درصد از مخاطبین عقیده داشته اند که حتی تا ۵۰ سال آینده به مدارس نیاز داریم. بسیاری از آن ها علی رغم انتقادات فراوان نسبت به مدارس هنوز مدرسه را قابل اعتمادترین فضا برای آموزش کودکان و نوجوانان می دانند (مووراک، ۲۰۱۸).

اینکه مدارس تا بیست سال آینده وجود دارند یا از بین خواهند رفت را نمی توان به طور دقیق پیش بینی کرد اما اگر مدارس بتوانند پاسخ های مناسبی به نیازها و مشکلات نوجوانان و جوانان بدهند و نقش فعالی در کم کردن آسیب های اجتماعی داشته باشند می توانند به عمر خود بیفزایند. در سال ۲۰۱۹ تحقیقی با عنوان اثرگذاری مدرسه و سوگیری دانش آموزان نسبت به آینده (یک تحلیل چند مرحله ای از دانش آموزان مقطع سال آخر دبیرستانی در استکهلم سوئد انجام شد). در این تحقیق تلاش شده بود اثرگذاری مدرسه در سوگیری دانش آموزان نسبت به آینده مورد بررسی قرار گیرد. نتایج این تحقیق نشان می دهد که بین اثربخشی مدرسه و بهبود عملکرد دانش آموزان ارتباط مثبت وجود دارد و همچنین باعث کاهش رفتارهای نابهنجار مثل قلدری، بزهکاری و به طور کلی رفتارهایی که برای سلامتی آن ها خطرناک است شود. یافته ها نشان می دهد که محیط مدرسه در

2. ADHD= attention deficit hayper activity disorder

1. Ritalin

فزاینده ای) بی ثبات، نامشخص، پیچیده و مبهم، آموزش می‌تواند تغییر ایجاد کند. با توجه به چالش‌هایی که مردم با آن‌ها روبرو هستند و مشکلاتی که در مقابل آن‌ها شکست می‌خورند، برنامه ریزان درسی باید به تکامل بیاندیشند.

یکی از پیشران‌های اصلی که در آینده مدارس اثرگذار است، سرعت رشد تکنولوژی در مدارس است. در کره جنوبی از سال ۲۰۱۰ ربات‌ها به کلاس درس زبان راه یافتند و عملکرد بهتری نسبت به معلمان داشته‌اند. این ربات‌ها به کمک معلمان فیلپینی، از راه دور هدایت می‌شوند. کره جنوبی با هزینه ۱.۴ میلیون دلار از ۲۹ ربات در ۲۱ کلاس استفاده کرده است. اما استفاده از ربات‌ها در کلاس‌های درس هنوز همه گیر نشده است. در تحقیقی که در سال ۲۰۱۶ در مدارس آمریکا انجام شده، نشان داده شد که ربات‌ها به عنوان کمک معلمان رسمی می‌توانند در آموزش کلاس درس تسهیل ایجاد کنند. اما در مورد اطلاعات حریم خصوصی دانش آموزان و مرزهای بین معلمان و ربات‌ها و میزان استقلال ربات‌ها و ترس از عواقب منفی و اینکه ربات‌ها را کارخانه‌ها با هدف سود بیشتر تولید می‌کنند، جزو عواملی هستند که ممکن است سرعت ورود ربات‌ها را به کلاس درس کند شود. اما نکته جالب در این تحقیق جایی است که دانش آموزان توانستند ارتباط معلم و دانش آموزی را به خوبی با ربات‌ها برقرار کنند. (الپامه^۳، ۲۰۱۷) شرکت‌هایی مانند میندوجو^۴ الگوریتم‌هایی دو سویه و تعاملی تولید می‌کنند که نه تنها، ریاضی و فیزیک و تاریخ درس می‌دهند بلکه همزمان به مطالعه خود ما هم می‌پردازند و در می‌یابند، که ما دقیقاً کیستیم. آموزگاران دیجیتالی، برهر پاسخ و مدت زمان پاسخ ما، به دقت نظارت می‌کنند. به تدریج و با گذشت زمان به نقاط قوت و ضعف ما پی می‌برند و متوجه می‌شوند که چه چیزی شخص را سر ذوق می‌آورد و یا غمگینش می‌کند. این آموزگاران می‌توانند به شیوه

کاملاً سالم چنین داروهایی مصرف می‌کنند تا عملکردشان را ارتقا دهند، تا انتظار معلمان و والدین شان را برآورده کنند. برخی به این تحول معترض‌اند و حرف‌شان این است که مشکل، نه از بچه‌ها، بلکه از نظام آموزشی است. اگر دانش آموزان دچار اختلال کم توجهی، استرس و نمره پایین هستند، احتمالاً باید روش‌های کهنه تدریس و کلاس‌های شلوغ و ضرب‌آهنگ ناهنجارانه تند زندگی را مقصر بدانیم. شاید لازم است به جای بچه‌ها مدرسه‌ها را اصلاح کنیم. (راگان، ۲۰۱۳). لذا چطور می‌توان دانش آموزان را با محتوای کسل کننده و بی‌هیجان در مقایسه با بازی‌های کامپیوتری و صندلی‌های سفت و سخت مدارس و محیط‌های بسته با قوانین خشک، به یادگیری آنچه که یا تاریخ مصرف آن در حال اتمام است و یا در زندگی شخصی فایده‌ای برای خود احساس نمی‌کنند ترغیب کرد؟ پیوند سلطه ایدئولوژی‌های حاکمیتی و نگاه نظام سرمایه داری به مدارس می‌تواند بسیار خطرناک باشد. یکی در پی استحاله فردیت و تولید آن چه خود می‌خواهد است و دیگری در حال ایجاد بی‌عدالتی و سطحی کردن افراد برای لذت بردن‌های سطحی است. (هراری^۱، ۲۰۱۶)

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه اروپا^۲ در سال ۲۰۱۸ تحقیقی را با عنوان آینده مدارس و مهارت‌های مورد نیاز آموزشی مدارس برای سال ۲۰۳۰ انجام داد که در آن به نیازهای دانش آموزان برای سال ۲۰۳۰ و نقش مدرسه برای توسعه دانش آموزان پرداخت. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد کودکانی که در سال ۲۰۱۸ وارد مدرسه شده‌اند باید این تصور را که منابع بی‌حد و مرز هستند و باید وجود داشته باشند، کنار بگذارند. در بهره برداری از منابع باید به سعادت مشترک، پایداری و بهزیستی مشترک اهمیت دهند. آن‌ها باید مسئول باشند و توانمند در ایجاد همکاری بیشتر و پایداری بالاتر مهم‌تر از سود کوتاه مدت باشند. در مواجهه با یک جهان (به طور

3. Elpaeme
4. Mindoyo

1. Harari
2. OECD

در اجرای سند تحول بنیادین پرداخته است. تربیت نیروی انسانی کاردان و مسلط، انتخاب بهینه مجریان کارا و موثر، بسترسازی عملیاتی و تقدم دموکراسی بر بروکراسی و فعالسازی سرمایه‌های اجتماعی به کمک کارگزاران اجرایی نخبه تاکید شده است. تاکید نهایی این پژوهش بر بازنگری راهبردی در سیاست‌ها و اقدامات اجرایی در آموزش و پرورش است. به نظر می‌رسد نیاز به یک نگاه کلان با همه عوامل مرتبط برای مدارس ایران لازم است. تحقیقاتی که بتواند تصاویر مختلفی که ممکن است (از مطلوب تا نامطلوب) مدارس ایران با آن مواجه شوند را به تصویر بکشد. حداقل کاری که می‌توان کرد دفع خطر احتمالی است که عقلاً واجب است. این تحقیق تلاش کرده است با نگاهی انتقادی به وضعیت موجود با طرح پرسش‌های زیر از افراد موثر در آموزش و پرورش به طراحی و برنامه ریزی آینده مدارس ایران کمک کند.

(۱) مطلوبترین تصویر از آینده مدارس ایران چه خصوصیاتی دارد؟

(۲) بزرگترین موانع رسیدن به تصویر مطلوب کدامند؟

(۳) عکس العمل جامعه به ادامه مسیر حال حاضر چه خواهد بود؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر رویکرد پژوهشی، جزو پژوهش‌های کاربردی و جزو انگاره‌های انتقادی (تلفیقی - چالشی) است. محوریت این انگاره آشکار کردن ماهیت واقعی جامعه، قدرت و روابط آن‌هاست. هر چند انگاره‌های انتقادی به خاطر عدم ارایه راه حل، مورد نقد قرار می‌گیرد اما تلاش می‌کند واقعیت پنهان به ویژه در رابطه با پدیده قدرت، کشف و باز نمود شود (میرزایی، ۱۳۹۶). از طرفی دیدگاه آینده پژوهانه نیز این تحقیق در چارچوب گفتمان روز و آکادمیک آینده پژوهی در بستر معرفت شناختی واقعیت‌گرایی انتقادی پیش خواهد رفت و دارای رویکرد هنجاری و تصویرپرداز است. اما روش این پژوهش با توجه به بافت

متناسب با نوع شخصیت هر فرد به او ترمودینامیک و هندسه درس بدهند، حتی اگر آن شیوه، برای ۹۹ درصد دانش‌آموزان دیگر مناسب نباشد. این آموزگاران دیجیتالی هیچگاه از کوره در نمی‌روند. فریاد نمی‌کشند و اعتصاب هم نمی‌کنند. اما معلوم نیست در دنیایی با چنین برنامه‌های کامپیوتری هوشمند اصلاً چرا کسی باید ترمودینامیک یا هندسه بداند؟ (وایزمن، ۲۰۱۲)

به لحاظ معرفت شناختی، تحقیقات صورت گرفته در ایران عمدتاً رویکرد پوزیتیویستی و اثبات‌گرایانه دارند. درحالی‌که آینده پژوهی عمدتاً رویکردی پساساختارگرایانه دارد، یعنی سعی در به چالش کشیدن، مورد پرسش قرار دادن روندهای مطرح شده و همچنین تعیین پایگاه طبقاتی آن‌ها همچون تحقیقات انتقادی دارد. (طاهری دمنه، ۱۳۹۴)؛ جای تاسف دارد که، آموزش و پرورش که نمی‌تواند در مقابل ذینفعان خود پاسخ مناسب دهد و عقب‌تر از زمانه خود است چگونه می‌تواند در طراحی آینده اجتماع نقش بازی کند؟ تغییراتی که در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، تکنولوژیکی، علمی و اقتصادی اتفاق می‌افتد در شکل و ساختار آموزش و پرورش تاثیر می‌گذارد و عدم پاسخگویی مناسب به این تغییرات و آماده نکردن کودکان و نوجوانان برای سازگاری و انعطاف در مقابل این تغییرات، صدمات جبران ناپذیری به وجود می‌آورد. کسب قدرت آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد بزرگ در تصمیم‌گیری‌های داخلی و اثرگذاری آن بر حوزه‌های خارجی می‌تولند سهم آموزش و پرورش را در کسب منافع ذی‌نفعان خود یاری کند. (همتی، ۱۳۹۳)

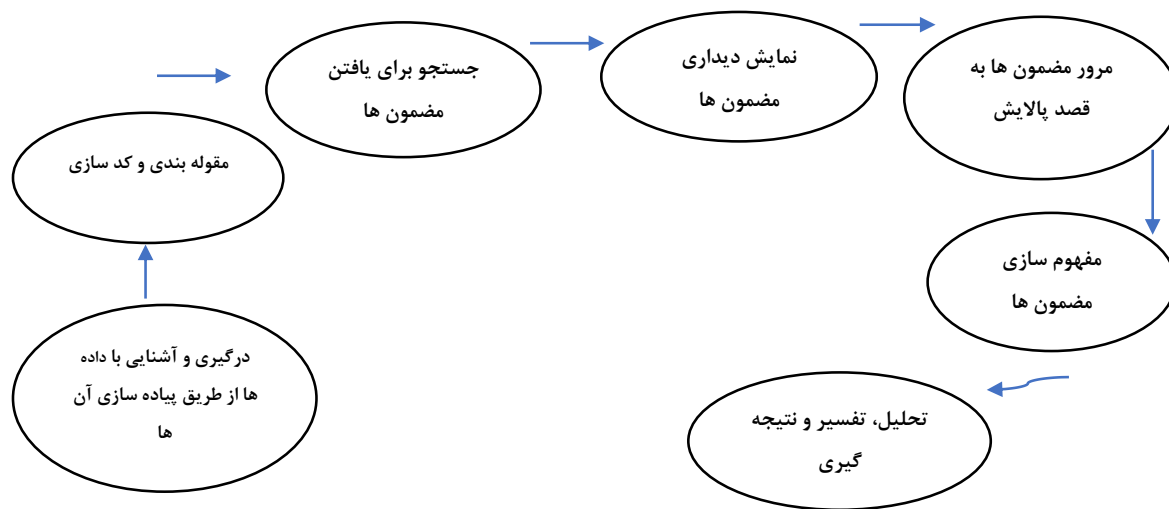
در سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش و تکنولوژی برلین که در سال ۱۳۹۵ برگزار شد مقاله خانم بهناز مقدس به تحول و توسعه نظام آموزشی ایران به شیوه گفتمان انتقادی می‌پردازد، ارایه گردید. در این مقاله به دلایل حرکت کند توسعه و در بعضی مواقع عقب‌گرد حوزه آموزش و پرورش پرداخته است و علل عدم موفقیت

1. Weissman

این روش از پیش تعیین شده نیست و پژوهشگر پایان نمونه گیری را غنای داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها در نظر گرفته است. بدین معنا که تا زمانی که داده‌ها تکراری نباشند و از مصاحبه‌ها داده جدید به دست آید، مصاحبه‌ها ادامه پیدا می‌کند. با توجه به همه گیری بیماری کرونا بیشتر مصاحبه‌ها در فضای مجازی و به صورت آنلاین برگزار شد.

روش اجرا

تحلیل مضمون از زمانی شروع می‌شود که پژوهشگر به جستجوی الگوهای معنایی یا مضمونی و حتی مساله‌های نهفته در داده‌ها می‌پردازد. به نظر می‌رسد در واقع نقطه آغاز تحلیل مضمون، پس از جمع آوری اطلاعات و داده‌ها باشد. (میرزایی، ۱۳۹۶). از روش تحلیل تم یا مضمون طبق فرآیند زیر استفاده می‌شود.



شکل ۱. فرآیند تحلیل مضمون

پژوهشگر از مصاحبه‌ها مورد بازبینی قرار گرفت. در مرحله بعد کدگذاری‌ها و مقوله بندی‌های داده‌ها انجام شد. از دسته‌های ایجاد شده ۱۲ مضمون اولیه استخراج شد و فراوانی داده‌ها نیز مشخص شد و به صورت نمودار دایره‌ای در کنار هم چیده شد تا درک بهتری نسبت به همه

اجتماعی موضوع و معانی که در گفتار بین مصاحبه شونده و مصاحبه کنندگان شکل می‌گیرد تحلیل مضمون انتخاب شده است. (تورنن و بونداس، ۲۰۱۳). تحلیل مضمون از زمانی شروع می‌شود که پژوهشگر به جستجوی الگوهای معنایی یا مضمونی و حتی مساله‌های نهفته در داده‌ها می‌پردازد. به نظر می‌رسد در واقع نقطه آغاز تحلیل مضمون، پس از جمع آوری اطلاعات و داده‌ها باشد (میرزایی، ۱۳۹۶)

ابزار پژوهش

مصاحبه نیمه ساختاریافته. از آنجا که این پژوهش ماهیت کیفی داشته از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده است. به دلیل گستردگی علوم مرتبط با موضوع، از جمله علوم تربیتی، مدیریت، جامعه‌شناسی و آینده پژوهی تلاش شد به روش "به گزینی" مناسب‌ترین گزینه‌ها برای مصاحبه انتخاب شوند. اندازه حجم نمونه در

در مرحله بعد پاسخ‌های مصاحبه شونده‌ها طی مرحله‌ای (که در بالا آورده شده)، پیاده سازی، مقوله بندی و جهت انجام تحلیل کدگذاری در حین مصاحبه‌ها عوامل کلیدی که بیان می‌شد توسط پژوهشگر ثبت شده و چندین بار مصاحبه‌های ضبط شده با یادداشت‌های

مدارس، امکانات و تجهیزات افزایش می‌یابد و دانش آموزان در مدرسه زندگی می‌کنند و مهارت‌های شغلی برای ورود به جامعه، آموزش داده می‌شود. از نظر مسئولین آموزش و پرورش تصاویر محیطی بدون اضطراب و دوستانه که از کنار هم بودن لذت می‌برند و امکان کشف استعدادها وجود دارد غالب بود. در واقع مدرسه مسیر حرکت به سمت متخصص شدن نیروی انسانی برای ورود به بازار کار را فراهم می‌کند و در نهایت وجود تجهیزات الکترونیکی و مدرن و اهمیت به یادگیری همراه با بازی و امکان یادگیری از راه دور یا در مدرسه به اختیار دانش آموز، تصاویری بود که آینده پژوهان ترسیم کردند. آن چه می‌توان در تصاویر بیشتر مصاحبه شونده‌ها مشاهده کرد کثرت در عین وحدت در مدارس آینده است. یعنی در تصاویر مطلوب آینده، آموزش مهارت‌های زندگی و مهارت‌های اجتماعی برای تربیت یک شهروند مسول در کنار تلاش برای تقویت فردیت دانش آموز وجود داشت. مدرسه آینده بستری آماده می‌کند تا هر دانش آموز استعداد خود را کشف کند و با کمک مدرسه و در محیطی غیر رقابتی و بدون فشار به شکوفایی استعدادش بپردازد. در تصویر مشترک، مدرسه آینده کسل کننده نیست و شبیه‌ترین حالت به خلنه را دارد. امکانات تکنولوژیکی و ایمنی مدارس در بالاترین سطح قرار دارد. فعالیت‌های گروهی و تیمی در محیط واقعی یا شبیه سازی شده برای ورود دانش آموزان به جامعه، مبنای برنامه درسی مدارس خواهد بود.

سوال ۲: بزرگترین موانع رسیدن به تصویر مطلوب کد/مند؟

پاسخ به این سوال و تشریح موانع موجود هسته اصلی تحقیق را تشکیل داده است که در تحلیل مضمون‌ها به آن مفصل‌تر پرداخته شده است. تقریباً در همه مصاحبه‌ها مشکل اصلی آموزش و پرورش نیروی انسانی ناکارآمد مطرح گردید. ناکارآمدی هم در حوزه ستاد و هم در حوزه داخل مدرسه اشاره شد. در ستاد متاسفانه افرادی دانا، شجاع و دوراندیش وجود ندارند تا این ساختمان در حال

عوامل پیدا شود. در ادامه پایش مضمون‌ها، با ترکیب مضمون‌های نزدیک به هم، ۸ مضمون نهایی انتخاب و مفهوم سازی آن‌ها انجام شد و در نهایت تحلیل و تفسیر و نتیجه گیری تحقیق انجام گرفت که در ادامه تحقیق به آن پرداخته می‌شود.

یافته‌ها

همانطور که اشاره شد به دلیل تنوع تخصص‌ها در حوزه آینده مدارس و اهمیت افراد انتخاب شده، با ۳ نفر از وزرای سابق آموزش و پرورش، ۴ نفر از روشنفکران و جامعه شناسان برجسته فعال در حوزه آموزش کشور، ۳ نفر از آینده پژوهان علاقه مند به حوزه آموزش و پرورش و ۴ نفر از مدیران و معلمان آشنا به حوزه آینده پژوهی مصاحبه‌هایی نیمه ساختار یافته انجام شد. یافته‌های مصاحبه‌ها در دو قالب پاسخ به سوالات اصلی و طبقه بندی و تحلیل پاسخ‌ها به روش تحلیل مضمون انجام شد که ابتدا پاسخ سوالات مطرح می‌شود سپس به روش تحلیل مضمون یافته‌ها استخراج گشت.

سوال ۱: مطلوب‌ترین تصویر از آینده مدارس ایران چه خصوصیتی دارد؟

(این سوال به عنوان یک پیش سوال برای سوال دوم پرسیده شده است. در واقع ابتدا تصاویر مطلوب خبره ترسیم شد تا در مرحله بعد بتوان موانع رسیدن به تصاویر مطلوب را مطرح کرد). آن چه در پاسخ به این سوال در بیشتر مصاحبه شونده‌ها وجود داشت فاصله نقطه موجود با تصاویر مطلوب ذهنی این افراد بود. از نظر جامعه شناسان مرز بین مدرسه و جامعه به حداقل می‌رسد و تنوع مدارس افزایش می‌یابد. مدارس طبیعت، محیط‌های جذاب و سرگرم کننده افزایش می‌یابد و نظام طبقاتی معلم و شاگرد از بین می‌رود و دموکراسی در مدرسه حاکم می‌شود. دلنش آموزان دیگر تن به خواندن درس‌های اجباری و غیر ضروری نمی‌دهند و با توجه به علاقه فردی آموزش می‌بینند. آزادی‌های فردی دانش آموزان اصلی‌ترین مفهومی بود که در تصاویر جامعه شناسان وجود داشت. در تصاویر مطلوب مدیران و معلمان

بیشتر این اختلافها از یکسو در نظرات مدیران مدارس و وزرای سابق آموزش و پرورش و از سوی دیگر جامعه شناسان مشهود بود. از نظر گروه اول اعتماد اولیا به مدارس هنوز وجود دارد و علی رغم انتقاد به مدارس، اولیا با اعتماد کامل فرزندان خود را به مدرسه می‌فرستند. از آن جا که مدارس اصلی‌ترین مرکز ارتباطات انسانی و تربیت نسل آینده هستند با تغییرات اصلاحی مواجه خواهند شد اما به هیچ وجه کارکرد خود را از دست نخواهند داد. اما از نظر جامعه شناسان، اعتماد اولیا به مدارس کاهش پیدا کرده است و با ادامه این روند، سرعت بی‌اعتمادی بیشتر خواهد شد. هجوم اولیا به آموزشگاه‌های زبان، موسیقی و ... نشان از تغییر سلیقه اولیا و بی‌اعتمادی به مدارس است. دانش آموزان علاقه‌ای به حضور در مدرسه ندارند و با توجه به تفاوت علاقه مندی‌های دانش آموزان و تغییر مطالبات خانواده‌ها ادامه این روند مرگ مدرسه را به همراه خواهد آورد. از نظر آینده پژوهان، خانواده‌ها به دنبال محل‌های تخصصی برای آموزش فرزندان خود هستند که با این روند احتمالاً در آینده مدرسه اصلی‌ترین مرکز اجتماع دانش آموزان نخواهد بود. کتابخانه‌های عمومی، مراکز خصوصی تربیتی، فرهنگی و ... به دلیل آزادی عمل و آموزش‌های تخصصی از استقبال بیشتری برخوردار خواهند شد و عملاً مدارس کارکرد خود را از دست خواهند داد. پس از پاسخ به سوالات به کمک روش تحلیل مضمون در ۸ مرحله این تحقیق ادامه یافت. ابتدا به کمک کلید کلمات استخراج شده در حین مصاحبه و پیاده سازی فایل‌های صوتی ضبط شده و مطالعه مکرر، داده‌ها مقوله بندی و کدگذاری همه داده‌ها (در چند مرحله) انجام شد که از ۲۸ تم فرعی به دست آمده در نهایت به ۸ تم اصلی یا دورنمایه رسیدیم.

ویرانی را از نو بسازند. و اراده‌ای هم برای این تغییر وجود ندارد. برای معلمی نیز، نخبگان علاقه‌ای به جذب شدن در آموزش و پرورش ندارند و افراد با توانمندی‌های متوسط و پایین جذب دانشگاه می‌شوند که دانشگاه‌های ما نیز نیروهای متبحری تربیت نمی‌کنند. در مدرسه نیز معلمان تبدیل به کارمندانی شده‌اند که باید محتوای مشخصی را در زمان مشخص به دانش آموزان ارائه دهند و خبری از خلاقیت و جذابیت در روش‌ها و محتواها دیده نمی‌شود. به همین دلیل و همین طور دلایل دیگر، دانش آموزان بیشتر مدرسه را محیطی خشک و کسل کننده و بی‌ارتباط با زندگی واقعی خود می‌دانند. از مسئولین آموزش و پرورش مشکلات سیاست زدگی در آموزش و پرورش و دغدغه مند نبودن روسای جمهور در حوزه آموزش و پرورش نیز مانع بزرگی در رسیدن به تصاویر مطلوب معرفی شد. جامعه شناسان نیز سلطه ایدئولوژی حاکم و چتری که بر سر آموزش و پرورش انداخته است را مانع اصلی توسعه آموزش و پرورش می‌دانند. البته در روش مواجهه با این موضوع روش‌های متفاوتی داشتند. مدیران مدارس در کنار موارد مشترک، اصلی‌ترین موانع را مشکلات اداری و بخشنامه‌ها و همین طور پایین بودن انگیزه معلمان به دلیل مشکلات مالی را عنوان کردند و آینده پژوهان به تفاوت رویکرد دانش آموزان و معلمان و برقرار نشدن دیالوگ بین معلمان و دانش آموزان و همین‌طور نداشتن برنامه بلند مدت و منعطف برای مواجه شدن با آینده را موانع اصلی آینده محور شدن آموزش و پرورش عنوان کردند.

سوال ۳: عکس‌العمل جامعه به ادامه مسیر حال حاضر چه خواهد بود؟

در مورد عکس‌العمل جامعه نسبت به ادامه مسیر فعلی آموزش و پرورش اختلاف نظرهای فراوانی وجود داشت.

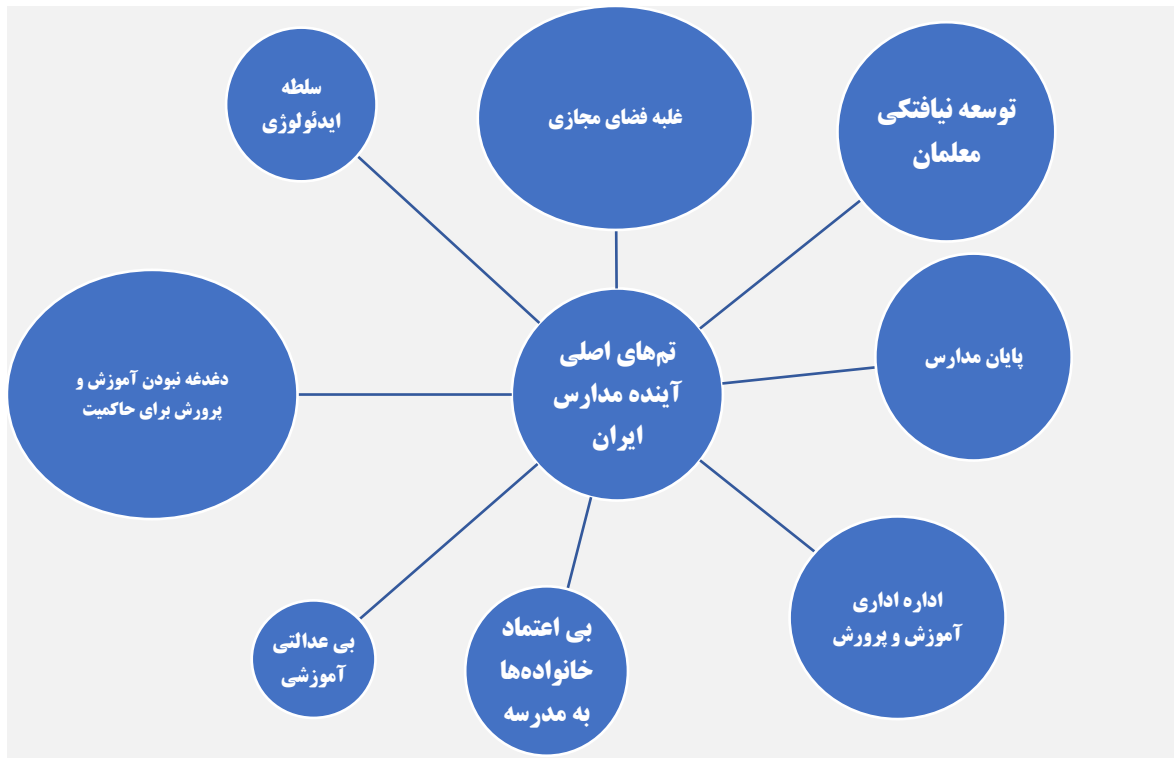
جدول ۱. دورنمایه و طبقات مربوط به رویکرد انتقادی به آینده مدارس ایران

دورنمایه (تم اصلی)	طبقات (تم فرعی)
۱	تغییر مطالبه مردم و فاصله گرفتن از ایدئولوژی حاکم
	فضای انتقادی جامعه نسبت آموزش‌های ایدئولوگ

	سلطه ایدئولوژی	باز طراحی یک نظام ایدئولوگ منقطع
		تربیت نیروهای ارزشی توانمند برای حفظ نظام ایدئولوگ
۲	دغدغه آموزش و پرورش برای حاکمیت	تبدیل شدن آموزش به موضوع اصلی نظام برنامه ریزی بلند مدت و منقطع با حضور روشنفکران جامعه افزایش بودجه آموزش و پرورش
۳	مدیریت اداری آموزش و پرورش	ساختار سنتی و کهنه آموزش و پرورش به روز نبودن مدیران ارشد آموزش و پرورش تمرکز گرایی و نگاه اداری
۴	بی اعتماد خانواده‌ها به مدارس	چالش بهروری مدارس از نظر اولیا آگاهی‌های اولیا و تغییر مطالبات بی اعتمادی اولیا و ترک مدرسه مشارکت صوری اولیا در مدرسه
۵	توسعه نیافتگی معلمان	تکنولوژی تهدید شغل معلمی معلمان بزرگترین مانع رشد انعطاف و یادگیری کم معلمان معلمی شغل درجه چندمی نسل بعدی بی‌علاقه به معلمی مشکلات معیشتی معلمان
۶	پایان مدارس	رشد مدرسه در خانه‌ها ^۱ رشد مدارس زیر زمینی بدون مجوز آموزشگاه‌ها جایگزین مدارس از بین رفتن فیزیکی مدارس
۷	بی عدالتی آموزشی	رشد مدارس خصوصی و چالش بی‌عدالتی سبک زندگی و مشکلات اقتصاد مردم آموزش مجازی جایگزین مدرسه
۸	غلبه فضای مجازی	رشد شبکه‌های یادگیری بین‌المللی

توسعه نیافتگی معلمان، پایان مدارس، بی عدالتی آموزشی و غلبه فضای مجازی بازشناسایی شد که در نمودار زیر شکل ۲ به نمایش گذاشته شد.

از قالب‌های استخراج شده تم‌ها، ۸ تم اصلی سلطه ایدئولوژی، دغدغه آموزش و پرورش بر حاکمیت، مدیریت اداری آموزش و پرورش، بی اعتمادی خانواده‌ها به مدارس،



شکل ۲. مضمون‌های اصلی آینده مدارس ایران

«آنقدر موضوعات بحرانی در کشور وجود دارد که در هیئت دولت هیچگاه آموزش و پرورش اولویت نبوده»
 «کاش یک دهم هسته‌ای آموزش و پرورش مهم بود»
 «وزیر آموزش و پرورش توسط رهبر انتخاب شود و درگیر دولت‌ها و روابط سیاسی نشود»
 «فنلاند، کره جنوبی، سنگاپور و مالزی، رشد خود را مدیون سرمایه‌گذاری در حوزه آموزش و پرورش می‌دانند»
 «پس از دادن هزینه‌های سنگین در قشر جوان و نوجوان به سمت هزینه کردن در مدارس خواهیم رفت»
 «سرمایه‌گذاری سنگین اقتصادی برای آینده آموزش و پرورش توصیه من به عقلای حکومت است»
 ۲- مدیریت اداری آموزش و پرورش: این مضمون به عنوان یکی از پر اشاره‌ترین تم‌ها انتخاب شده است. به نظر می‌رسد در بین تمامی افراد مصاحبه‌شونده رضایتی در مورد نظام اداری آموزش و پرورش وجود ندارد اما چرا اتفاق خاصی نمی‌افتد؟ خود سوال مهمی است که نیاز به تحقیق و بررسی دارد.
 «من بیش از ۳۰ درصد از بخشنامه‌های آموزش و پرورش را کاهش دادم»

کوچک و بزرگ نشان دادن هر کدام از تم‌ها به منزله فراوانی مضمون مورد نظر است. تبدیل شدن آموزش و پرورش به اصلی‌ترین دغدغه حکومت، اداره اداری آموزش و پرورش و تأثیری که فضای مجازی خواهد گذاشت از جمله مواردی است در بین مصاحبه‌شونده‌ها به آن‌ها بیشتر پرداخته شده است. به توسعه نیافتگی معلمان و بعد از آن بی‌اعتمادی خانواده‌ها به مدرسه و همین‌طور پایان مدارس بعد از موارد قبلی بیشترین اشاره را داشتند و سلطه ایدئولوژی و بی‌عدالتی آموزشی کمتر مطرح شده است. با توجه به نیمه ساخت دار بودن سوالات پژوهش به جای پاسخ به سوالات پژوهش، تحلیل مضمون انجام شده است تا با جامعیت بیشتری به موضوع پرداخته شود و زوایای واقع‌بینانه‌تری از موضوع نمایان شود.

۱- دغدغه آموزش و پرورش برای حاکمیت: هر سه وزیر سابق آموزش و پرورش اعتقاد دارند که برای روسای جمهور هیچگاه آموزش و پرورش اولویت اول نبوده است. از نظر جامعه‌شناسان، تغییر سیاست‌های آموزش و پرورش با تغییر وزیر و رفتارهای سلیقه‌ای و تغییر پیاپی وزرای آموزش و پرورش در دو دهه گذشته اجازه برنامه‌ریزی بلندمدت را به مسئولین آموزش و پرورش نمی‌دهد.

«مدیران مدارس بدون هیچ تخصص و توانایی انتخاب می‌شوند»

«دوره‌های ضمن خدمت بی کیفیت است»

«هیچ شاخص گزینش علمی برای معلمان وجود ندارد»

«تاموفقان حوزه‌های دیگر از روی ناچاری وارد معلمی می‌شوند»

۵- پایان مدارس: کم اثر دانستن مدارس و آماده نکردن دانش آموزان برای زندگی در جامعه به خصوص برای آینده، بدون استثنا در تمام مصاحبه‌ها مشهود بود. به نظر می‌رسد سبک زندگی تحصیلی نسل‌های بعدی، در پشت نیمکت‌های چوبی در اتاق‌هایی کوچک که با زنگ مدرسه برنامه ریزی می‌شوند خیلی شباهت نخواهد داشت.

«مدرسه خانه‌ها در شهرهایی مثل اصفهان و تهران در حال افزایش است»

«مدرسه خانه غیر قانونی است و مدیر و خانواده در حال تخلف هستند»

«با این روش گزینش معلمان در دورترین نقطه از دانش آموزان هستند»

«مرگ مدرسه فقط یک تیتتر ترسناک است. تا ۵۰ سال آینده اول مهر روز بازگشایی است»

«توجه به تفاوت‌های فردی مدارس امروزی که از مدل کارخانه‌ای تبعیت می‌کند را می‌بندد»

«جایگزینی برای مدارس وجود ندارد ولی تضمینی برای چند سال آینده برای بسته نشدن مدارس وجود ندارد»

۶- بی‌اعتمادی خانواده‌ها به مدرسه: بیش از نیمی از مصاحبه شونده‌ها معتقد هستند که مدرسه هنوز اصلی‌ترین مرکز قابل اعتماد برای اولیا است (البته بیشتر این افراد، وزرای آموزش و پرورش و مدیران مدارس بودند) اما اگر کارایی لازم را نداشته باشد ممکن است این جایگاه را از دست بدهد.

«صف‌های ماشین جلوی درب موسسات زبان، هنر و ... نشان از بی‌اعتمادی خانواده به مدرسه دارد»

«توهم خوب بودن در مسولین آموزش و پرورش وجود دارد»

«هنوز مدرسه مرکز اصلی یادگیری و مورد اعتماد اولیاست»

«مدارس خانواده‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد»

«در دوره من حجم بالایی از بخشنامه‌ها کاهش یافت»

«اتوماسیون اداری و کاهش حجم بالایی از بروکراسی اداری در دوره وزرات من اتفاق افتاد»

«دست از سر مدارس بردارید»

«اگر همه ادره‌های آموزش و پرورش تعطیل شود هیچ اتفاق بدی نمی‌افتد»

«با توجه به کمبود وحشتناک نیروی انسانی باید نیروهای اداری برای کمک به مدارس اقدام کنند»

«مدارس را به مدیران واگذار کنید و فقط نظارت حمایت‌گرانه کنید»

۳- غلبه فضای مجازی: یکی از تم‌های پر اشاره در این تحقیق، اثر ورود تکنولوژی در مدارس و تغییراتی که در گرداندگی مدارس می‌گذارد توجه می‌کند. بیشتر مصاحبه‌شونده‌ها معتقد بودند که مدارس در ۲۰ سال آینده از بین خواهند رفت و تکنولوژی‌های جدید مکمل آموزش‌های معلمان در ایران خواهند بود. البته اثر آموزش در مدرسه کمتر خواهد شد و دانش آموزان از منابعی غیر از کتاب درسی و معلمان خود بهره خواهند برد.

«کرونا به سرعت رشد تکنولوژی در مدارس کمک کرد»

«سواد الکترونیک دانش آموزان سریع کننده رشد آموزش مجازی خواهد شد»

«شگفتی‌سازها، سرسخت‌ترین‌ها را تغییر می‌دهند مثل کرونا»

«در توتیب هر آموزشی که بخ اهید وجود دارد»

«روش‌هایی مثل یادگیری معکوس سرعت رشد تکنولوژی را افزایش خواهند داد»

«محتوای سنتی ما در مقابل گرافیک بالای بازی‌های کامپیوتری مدرسه را خلع سلاح کرده است»

«موسسات اقتصادی اگر وارد ایجاد شبکه‌های قوی آموزشی شوند موفق خواهند بود»

۴- توسعه نیافتگی معلمان: از آنجا که بیشتر مصاحبه‌شونده‌ها اعتقاد دارند که معلمان با روش‌های سنتی دیگر نمی‌توانند صرفاً با انتقال محتوا بر روی دانش آموزان اثر بگذارند، توانایی در حوزه‌های روانشناسی و مشاوره برای معلمان اهمیت بالایی دارد.

«آمار مطالعه معلمان چیزی بیشتر از جامعه نیست»

«از معلم اسنپی نمی‌توان انتظار توسعه داشت»

نظام تعلیم و تربیت در ایران از چه نقطه‌ای باید شروع شود و چه مسیری را باید طی کند. بزرگ بودن آموزش و پرورش و حساسیت‌های موجود و نگاه حاکمیتی به آن، کار تغییر برای آینده را دشوار می‌کند. اما آن چه مسلم است تغییر امری اجتناب ناپذیر است و به قول یکی از وزرای آموزش و پرورش اگر دانش آموزان و خانواده‌ها با مدرسه قهر کنند توان حاکمیت برای کنترل و هدایت مردم از دست خواهد رفت و بازگرداندن دانش آموزان به مدرسه امری محال خواهد شد. اما آن چه در همه مصاحبه شونده‌ها وجود داشت امید به تغییر و خوش بینی نسبت به آینده مدارس کشور است. تغییراتی که لزوماً فقط توسط حاکمیت اتفاق نمی‌افتد.

مضمونی که بیشترین فراوانی را داشت، دغدغه نبودن آموزش و پرورش برای حاکمیت بود. شاید نمود کم توجهی به آموزش و پرورش را در بودجه بندی دولت‌ها در سال‌های گذشته بتوان به خوبی مشاهده کرد. دولت‌ها هر سال بودجه آموزش و پرورش را بدون مطالبات می‌بندند و می‌دانند که حتماً با کسری بودجه مواجه خواهند شد. در یکی از سال‌ها ۱۰۶ درصد از بودجه آموزش و پرورش صرف پرداخت حقوق شد. یعنی آموزش و پرورش حتی با کل بودجه خود توان پرداخت حقوق را هم ندارد. در حالی که آموزش و پرورش فقط مسئول پرداخت حقوق نیست. در حوزه‌های زیر ساخت، مطالعات راهبردی، تجهیز مدارس، ارتباطات بین المللی و... نیاز به هزینه‌های کلان است. عده‌ای از کارشناسان، بودجه آموزش و پرورش را بودجه کاغذی می‌دانند. یعنی آن چه اختصاص داده می‌شود و آنچه اجرا می‌شود همخوانی ندارد.

البته باید پذیرفت تغییر اساسی در بودجه آموزش و پرورش بار بسیار سنگینی را از نظر مالی به دولت‌ها تحمیل می‌کند که تقریباً با توجه به شرایط اقتصادی کشور این امر ممکن نیست. نکته مهم دیگر در مورد اهمیت آموزش و پرورش برای حاکمیت، نوع انتخاب‌های وزرا است. وزارت آموزش و پرورش در ۱۱ سال گذشته بیش از ۷ بار تغییر وزیر داشته است. یعنی به طور میانگین وزرای آموزش و پرورش بیش از یک سال و نیم مسئولیت نداشته‌اند! هر وزیر با الویت‌های خاص خود مسئولیت را به عهده گرفته است. هیچ کدام از این وزرا

«مطالبات خانواده‌ها عوض شده است»
 «ورود به دانشگاه دیگر درخواست خانواده‌ها نیست. چون دانسته‌اند رابطه نزدیکی بین دانشگاه و موفقیت نیست»
 «همه تقریباً اسم فنلاند و نظام آموزشی آن را شنیده‌اند و مطالبات خاص دارند»

۷- سلطه ایدئولوژی: اختلاف نظر در این حوزه بین مصاحبه شونده‌گان از دیگر حوزه‌ها بیشتر بود. در حالی که تقریباً همه روشنفکران سلطه ایدئولوژی را مانع مهمی در مسیر مطلوب آینده مدارس می‌دانستند، از نظر بقیه مصاحبه شونده‌گان یا این عامل به عنوان عامل اصلی شناخته نشد یا پذیرش آن را اجتناب ناپذیر می‌دانستند.

«سلطه ایدئولوژی باید به اقتدار ایدئولوژی تغییر یابد»
 «مگر آموزش و پرورش غیر ایدئولوگ هم داریم؟»
 «از نقد ایدئولوژی‌های حاکمیتی نترسیم»
 «گزینش گران ایدئولوگ مانع ورود نخبگان به آموزش و پرورش می‌شوند»

«دانش آموزان از ایدئولوژی حکومتی فاصله گرفته‌اند»
 «باید نیروهای ایدئولوگ و ارزشی برای تعلیم و تربیت کشور، تربیت کنیم»

«نیازی به مبارزه با ایدئولوژی حاکمیت نیست. سال هاست که فقط از آن یک ظاهر به جا مانده است.»

۸- بی‌عدالتی آموزشی: از نظر مصاحبه شونده‌گان این تحقیق، نسبت به بقیه عوامل از کمترین فراوانی برخوردار بود. ولی اختلاف نظر در مورد آن فراوان است. از نظر تعدادی عدالت آموزشی بیشتر خواهد شد و از نظر تعدادی کمتر خواهد شد.

«آموزش هر روز ارزانتر خواهد شد»
 «مدارس غیر دولتی توسعه پیدا خواهند کرد»
 «خدمات مدارس لوکس با توجه به نیازهای خانواده‌های متمول جامعه را به سمت بی‌عدالتی بیشتر سوق می‌دهد»
 «فضای مجازی، آموزش را به سمت فراگیر و رایگان شدن خواهد برد.»

بحث و نتیجه‌گیری

محقق پس از انجام این تحقیق به صد چندان دشوار بودن تغییر در نظام آموزش و پرورش پی برده است. آن چنان مضامین اصلی و فرعی تحقیق به هم متصل و پیچیده هستند که به سادگی نمی‌توان تصمیم گرفت تغییر در

آموزش‌های داده شده) دارد، تصدی‌گری آموزش و پرورش را به حداقل برساند.

مضمون دیگری که به آن اشاره شده بود غلبه فضای مجازی در آموزش و پرورش بر روش‌های سنتی است. در دهه ۸۰ در کشور ما در مورد امکان دسترسی مدارس و دانش‌آموزان به اینترنت بحث‌های فراوانی انجام می‌شد. مقاومت‌های زیادی در مورد اینکه اینترنت به مدرسه راه پیدا کند وجود داشت. اما اینترنت جای خود را در زندگی تک‌تک ما پیدا کرد. با اتفاقاتی که در سال‌های اخیر افتاده است (به خصوص شیوع بیماری کرونا) آموزش‌های مجازی به عنوان یک منجی، آموزش و پرورش را نجات داد و توانست ریشه‌های خود را در نظام آموزشی کشور محکم کند. کرونا به عنوان یک شگفتی‌ساز احتمالا بتواند شکل تغییر‌ناپذیر آموزش و پرورش ایران را تغییر دهد.

موسسات خصوصی به دلیل چابک بودن و استفاده از افراد خلاق می‌توانند در تولید محتوای جذاب و متناسب با دانش‌آموزان به آموزش و پرورش کمک کند تا با تعامل با این موسسات کیفیت فعالیت‌های خود را افزایش دهد. رشد مدرسه در خانه‌ها و مدارس مجازی بدون مجوز در سال‌های اخیر می‌تواند به مدارس سنتی صدمات جبران‌ناپذیری بزند.

از مضامین اصلی دیگر توسعه نیافتگی معلمان است. نحوه جذب و گزینش معلمان همیشه مورد بحث آموزش و پرورش و آموزش عالی بوده است. ابتدا دانش‌سراهای عالی و بعد مراکز تربیت معلم این مسئولیت را بر عهده داشتند. از سال ۱۳۹۰ دانشگاه فرهنگیان با هدف جمع‌آوری مراکز تربیت معلم تاسیس شد و تلاش کرد علاقه‌مندان به معلمی را آموزش دهد و نیروی انسانی مدارس را تامین کند که با توجه به نکات بالا توان تربیت همه نیروهای آموزش و پرورش وجود ندارد.

پژوهشگر در مصاحبه با وزیر آموزش و پرورش به این نتیجه تلخ رسید که مشکل تامین معلم به مراتب مشکل بزرگتری از بالا بردن کیفیت عملکرد معلمان است. به گفته معاونت منابع انسانی آموزش و پرورش، ما در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ با کسری ۱۰۸ هزار معلم مواجه شدیم که تامین این معلمان کار بسیار دشواری بود و پیش‌بینی می‌کنیم تا سال ۱۴۰۳ این کسری به ۲۲۵

تحصیلاتی در حوزه تعلیم و تربیت نداشته‌اند و انتخاب سیاسی بعضی از این افراد واضح است. البته در سال‌های اخیر به دلیل وجود اسنادی چون سند تحول بنیادین و مبانی نظری آن، وزرا برای دفاع در مجلس، موظف هستند برنامه‌های خود را متناسب با سند تحول تهیه کنند. اما فاصله‌نگارنده‌های آن از اجرا کننده‌های آن و مشکلات روزمره آموزش و پرورش، اجازه طراحی مسیر و حرکت در این راه را دشوار ساخته است. در کشورهایی که تحول در آموزش و پرورش ایجاد کرده‌اند یک عزم ملی و اراده جمعی برای تغییر اتفاق افتاده است. متأسفانه در کشور ما حتی در اتفاقات اجتماعی که جامعه با التهاب مواجه می‌شود و با رفتارهای ناهنجار جوانان و نوجوانان مواجه می‌شویم هم، اهمیت چندانی به اینکه این افراد حداقل ۱۲ سال در سیستم آموزشی این کشور درس خوانده‌اند نداریم. رفتارهایی که می‌تواند کارنامه عملکرد مدارس باشد و می‌تواند در آینده حاکمیت را با چالش‌های عمیق‌تری مواجه کند.

مضمون پر بسامد دیگر مدیریت اداری آموزش و پرورش است که تقریباً در همه مصاحبه‌ها به آن اشاره شد. باید از مسئولین آموزش و پرورش سؤال کرد در حالیکه اتوماسیون‌های اداری مختلفی در این چند سال اضافه شده است، چرا کوچک‌سازی مناطق، ادارات کل و حتی وزارتخانه اتفاق نیفتاده است. وقتی همه وزرای مصاحبه شونده کم‌کردن بخشنامه‌ها و بروکراسی در آموزش و پرورش را جزو افتخارات دوره خود می‌دانند چرا از نظر مدیران مدرسه هنوز ساختار بروکراتیک است و مناطق و ادارات آموزش و پرورش بزرگ؟!

نحوه انتخاب مدیران مدارس که فقط شرط تاهل، سن بالای ۳۰ سال و سه سال سابقه کار در مدرسه است نیز جای تعجب دارد. مدیر یا همان رهبر آموزشی مدرسه، نقش اساسی در تصمیم‌گیری‌ها و روابط انسانی محیط مدرسه را دارد. این حوزه تخصصی و پیچیده، نیاز به تحصیلات آکادمیک و دوره‌هایی دارد که بتواند یک مدیر توانمند را تربیت کند. شاید دوره‌هایی متفاوت از دوره‌های ضمن خدمت آموزش و پرورش باید طراحی شود تا به کمک مدیر توانمند که تقریباً اختیارات کامل (بر مبنای

آموزش و پرورش شده است، می‌تواند مانع پویایی مدارس شود. بعد از چهل سال به نظر می‌رسد با توجه به سرعت تغییرات اجتماعی و نظام ارزشی، جامعه نیاز به یک بازاندیشی در ایدئولوژی‌های حاکم در آموزش و پرورش را احساس می‌کند. استفاده از نخبگان و متخصصان برای باز طراحی نظام ایدئولوژیک و کمک به انطباق شرایط مدارس با جامعه به مدرسه پذیری مردم کمک می‌کند. از طرفی نگاه سیاسی به آموزش و پرورش و انتخاب افراد بر مبنای دیدگاه‌های سیاسی به برنامه‌های بلند مدت آموزش و پرورش صدمه می‌زند. در انتخابات‌ها به دلیل وجود بیش از یک میلیون معلم وعده‌های زیادی به فرهنگیان داده می‌شود. مدارس اصلی‌ترین برگزارکنندگان انتخابات هستند اما چندان اجازه فعالیت صنفی به آن‌ها داده نمی‌شود. هر موضوعی در آموزش و پرورش می‌تواند با برچسب سیاسی تغییر شکل یابد. حتی در گزینش‌های نیروی انسانی نیز نگاه‌های سیاسی غالب است.

به نظر می‌رسد عده‌ای با نیت خیر و با هدف صیانت از ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های موجود، اجازه نقد و بازاندیشی در ایدئولوژی‌های حاکم را نمی‌دهند و این امر فاصله بین خواسته‌های آن‌ها و خواسته‌های دانش‌آموزان و اولیا را افزایش می‌دهد. حضور نخبه‌های آموزش و پرورش، جامعه‌شناسان برجسته، منتقدین و فعالان آموزش و پرورش، معلمان و مدیران مدارس و اولیا برای طراحی و بازاندیشی نظام ایدئولوژیک آموزش و پرورش ضروری است. در پژوهش بین‌المللی علوم و تکنولوژی که به تحول و توسعه آموزش و پرورش در ایران به شیوه گفتمان انتقادی پرداخته است نیز با اشاره به تغییر فضای حاکم در آموزش و پرورش ایران و پاسخ دهی حوزه علمیه به سوالات بنیادین آموزش و پرورش و روشن شدن بسیاری از ابهامات اجرایی محیط اشاره شده است که تایید کننده عامل ایدئولوژی و اثرات آن در مدارس است.

بی‌اعتمادی خانواده‌ها به مدارس از مضمون‌های دیگر مصاحبه بود. اصلی‌ترین افرادی که می‌توانند نظام آموزشی کشور را تغییر دهند خانواده‌ها هستند. افزایش آگاهی خانواده‌ها و روش مطالبه‌گری و قدرت چانه‌زنی آن‌ها با مدارس می‌تواند بر تصمیمات مدرسه و حتی آموزش و پرورش تاثیر بگذارد. امروزه به مدد محیط مجازی،

هزار نفر می‌رسد. استفاده از معلمان خرید خدمتی و معلمان نهضت سوادآموزی و افراد بی‌تجربه و آموزش ندیده که صرفاً برای بیکار نبودن وارد آموزش و پرورش می‌شوند بسیار نگران کننده است. البته نقش سیاست‌های جمعیتی کلان کشور که همیشه در حال تغییر است در ایجاد این مشکل غیر قابل چشم‌پوشی است. به نظر می‌رسد حاکمیت هر چه سریعتر باید قبل از تبدیل شدن این بحران به فاجعه، وارد عمل شود و به کمک برون سپاری یا به کمک نظام رتبه‌بندی و سیاست‌های تشویقی خاص این کمبود نیروی انسانی را جبران کند.

در مورد افزایش کیفیت عملکرد معلمان خوشبختانه به خاطر ایجاد بستر ارتباطات مجازی، گروه‌ها و کانال‌های معلمان دروس مختلف شکل گرفته است و معلمان می‌توانند تجربیات و سوالات خود را مطرح کنند و از تونلایی یکدیگر استفاده کنند. بسیاری از معلمانی که شاید فقط در محدوده مدرسه خود شناخته شده بودند امروزه توانسته‌اند خدماتی فراتر از شهر خود ارائه دهند. یکی از معلمان خلاق پایه اول دبستان در شهر رشت بیش از ۷۰۰ هزار نفر دنبال کننده در فضای مجازی دارد و به دلیل خلاقیت هایش در تدریس، مرجع بسیاری از معلمان نیز شده است. استفاده از تجربیات جهانی و فیلم‌های آموزشی برای جذاب کردن دروس، می‌تواند توانمندی معلمان را افزایش دهد. تقریباً هر موضوع درسی که معلم بخواهد می‌تواند در اینترنت جستجو و پیدا کند. به نظر می‌رسد آن چه معلم آینده به آن نیاز دارد پویایی و تنوع در تدریس است. تا چند سال قبل کتاب‌های تخصصی در مورد نحوه رفتار در کلاس درس بسیار محدود بود اما امروزه شاید صدها عنوان کتاب روانشناسی رفتار با دانش آموز وجود دارد که می‌تواند به ارتباط بهتر معلم و دانش آموز کمک کند. آن چه در تحقیقات آینده پژوهی مدارس نیز مشهود بود نیاز مبرم معلم آینده به روش گفتگوی سازنده با دانش آموز است. لذا آگاهی‌های حوزه روانشناسی رفتار با دانش آموز از اهمیت بالایی برخوردار است.

ایدئولوژی جزو لاینفک هر نظام آموزشی است و اساساً ما نظام غیر ایدئولوژیک نداریم اما سلطه ایدئولوژی در دسته بندی‌های مضامین وجود داشت که عامل انحصار در

خواهد شد. مدارس غیردولتی به دلیل انعطاف بالاتر و اهمیت دادن به نیازهای خانواده‌ها احتمالا می‌توانند با تغییرات اساسی، پاسخگوی مشتریان خود باشند که این امر می‌تواند عدالت آموزشی را به چالش بکشد.

مضامینی همچون سلطه ایدئولوژی، دغدغه نبودن آموزش و پرورش برای حاکمیت، مدیریت اداری آموزش و پرورش و غلبه فضای مجازی بیشتر نقش تاثیرگذاری بر دیگران مضامین دارند و مضامینی چون بی‌اعتماد خانواده‌ها به مدرسه، توسعه نیافتگی معلمان، پایان مدارس، بی‌عدالتی آموزشی با وجود موانعی که ایجاد می‌کنند بیشتر تاثیرپذیر از عوامل تاثیرگذار بالا هستند. در صورتی که آموزش و پرورش دغدغه اصلی حاکمیت شود و به کمک همه لندیش‌مندان بدون دسته بندی‌های ایدئولوژیک، برنامه بلندمدتی را طراحی کند که درک درستی از تغییرات اجتماعی و تکنولوژیکی داشته باشد و ساختار آموزش و پرورش را از حلت اداری خارج کند و با تربیت مدیران توانمند اختیار اداره مدارس را به مدیر واگذار کند، می‌توانیم این انتظار را داشته باشیم که مدارس منعطفی خواهیم داشت که هم معلمان با انگیزه و توانمند در بستر آن تربیت می‌شوند و هم خانواده‌ها و دانش آموزان با مدرسه قهر نمی‌کنند و مدرسه را مناسب‌ترین فضا برای تربیت می‌دانند.

به نظر پژوهشگر تا زمانی که ساختار و سیستم آموزش و پرورش تغییر اساسی نکرده است، افزایش بودجه آموزش و پرورش جز هدر رفتن و بالاتر بردن انتظارات، دستاورد دیگری نخواهد داشت. قطعاً به دلیل بزرگ بودن این وزارتخانه نیاز است پژوهش‌هایی در مورد پیدا کردن نقاط کلیدی و بحرانی برای هزینه کرد از اهمیت بالایی برخوردار است. شاید سبک انتخاب نفر اول آموزش و پرورش نیاز به بازنگری دارد. به نظر می‌رسد انتخاب فرد یا افرادی که بتوانند در یک برنامه بلند مدت و منعطف مسیر آموزش و پرورش را طراحی کنند ضروری باشد.

از نظر پژوهشگر گزینش دقیق و تخصصی مدیران مدارس و برگزاری دوره‌های کاملاً حرفه‌ای و منظم مدیریت و رهبری مدرسه برای واگذاری کامل اداره غیر متمرکز مدرسه پیشنهاد می‌شود.

اطلاعات فراوانی از سیستم‌های آموزشی جهان منتشر می‌شود که می‌تواند سطح آگاهی خانواده‌ها را افزایش دهد و به مطالبه گری از مدرسه و همین طور مشارکت آن‌ها در ایجاد تغییر بینجامد. بسیاری از خانواده‌ها هنوز مدرسه را قابل اعتمادترین و مناسب‌ترین فضا برای تربیت فرزندان می‌دانند اما به نظر نمی‌رسد آموزش‌های مدارس در حوزه تربیتی و آموزش‌های مهارت‌های زندگی مورد قبول خانواده‌ها باشد. آن‌ها می‌دانند که دیگر موفقیت تحصیلی فرزندان شان نمی‌تواند به تنهایی آینده شغلی آن‌ها تضمین کند و کم کم مدرسه دارد کارکرد خود را از دست می‌دهد. از طرفی نیازهای تربیتی مورد نیاز خانواده‌ها برای ورود به جامعه از طرف مدارس تامین نمی‌شود. علاقه خانواده‌ها برای پر کردن خلاءهای مدارس باعث به وجود آمدن محیط‌های جدیدی شده است که انحصار آموزش مدارس را شکسته است.

در مضمون پایان مدارس با وجود اینکه احتمال تعطیلی کامل مدارس کم است اما به نظر می‌رسد ادامه مسیر حال حاضر قدرت مدارس را به حداقل خواهد رساند. احتمالا مدارس باید از شرایط خشک، زمان بر و آموزش کسل کننده و فله‌ای دست بردارد و به سمت تخصص محور شدن حرکت کنند. در این مدارس دیگر خبری از زواید محتوایی که به هیچ درد دانش آموز نمی‌خورد نخواهد بود و تفاوت‌های فردی و آموزش‌های خصوصی متناسب با دانش آموز افزایش خواهد یافت. با توجه به اهمیتی که فضای مجازی در آموزش پیدا کرده است آموزش‌های ترکیبی (حضور- مجازی) توسعه خواهد یافت. روش‌های آموزشی مثل یادگیری معکوس که دانش آموز در خانه درس را می‌آموزد و برای رفع اشکال به مدرسه مراجعه می‌کند در حال توسعه هستند. اگر مدارس نتوانند منعطف عمل کنند جز ساختمان‌های بزرگ با اثر کم چیزی از آن‌ها باقی نماند.

چالش عدالت آموزشی به عنوان آخرین مضمون از ۸ مضمون مقاله مطرح گردید. با وجود اینکه به دلیل توسعه آموزش‌های مجازی احتمالا فرصت‌های برابری در اختیار افراد قرار خواهد گرفت اما به دلیل تخصصی‌تر شدن آموزش‌ها، نگرانی در مورد امکان استفاده از معلمان متخصص و آموزش‌های ویژه برای افراد متمول بیشتر

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- پایا، علی و ابراهیم آبادی، حسین (۱۴۰۱) مقاله دانشگاه و انتظارات از آن در چند دهه آینده: تحول در مسئولیت‌ها و کارکردها، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۱۴، شماره ۳
- همتی، علیرضا، گودرزی، محمدعلی و حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۴)، ضرورت آینده پژوهی در نظام‌های آموزش و پرورش، انتشارات فصلنامه آینده پژوهی مدیریت، دوره ۲۶، شماره ۱۰۳.
- مقدس، بهناز (۱۳۹۵) مقاله بررسی وضعیت کنونی تحول بنیادین و توسعه نظام آموزشی ایران به شیوه گفت‌وگو انتقادی، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی آلمان.
- طاهری منه، محسن (۱۳۹۴) بررسی تحلیل تصاویر آینده جامعه ایرانی در ذهن جوانان کشور، رساله دکتری آینده پژوهی، دانشگاه تهران.
- هراری، نوح (۲۰۱۶) کتاب انسان خداگونه؛ تاریخ مختصر آینده مترجم: زهرا عالی، نشر نو، تهران.
- میرزایی، خلیل (۱۳۹۶) کیفی پژوهی: پژوهش، پژوهشگری و پژوهش نامه نویسی. نشر فوژان، تهران.
- Alm, S., & Låftman, S. B. (2016). Future orientation climate in the school class: Relations to adolescent delinquency, heavy alcohol use, and internalizing problems. *Children and youth services review*, 70, 324-331.
- Hemati, A., Gudarzi, M. A. & Hajiani, E. (2014), The Necessity of Future Research in Education Systems, *Publications of Management Future Research Quarterly*, Volume 26, Number 103.
- Ian Ragan, Imre Bard, Iilina Singh (2013) What should we do about student use of cognitive Enhancers? An Analysis of current evidence, *neuropharmacology*.
- John Moravec, 2018 , Does the future need schools?, <https://www.educationfutures.com>
- Jordan Weissman, 2012, What happens when computer replace attorneys? www.theatlantic.com
- Julia Sandahi, Bitte Modin, Sussane Alm, Sara Broolin, (2019) School effectiveness and students future orientation, :A multilevel

بررسی چارت سازمانی وزارتخانه، استان‌ها، شهرها و شهرستان‌ها و مناطق نشان از نیاز تغییر اساسی در سیستم اداری آموزش و پرورش دارد. انجام تحقیقات برای کوچک سازی بروکراتیک آموزش و پرورش و جا انداختن هسته اصلی آموزش و پرورش که همان مدرسه و کلاس درس است در یک بازه ۵ ساله پیشنهاد می‌گردد.

پژوهشگر ایجاد زیرساخت‌های فضای مجازی در تفاهم نامه مشترک بین وزارت آموزش و پرورش و وزارت فناوری اطلاعات و ارتباطات جهت توسعه تکنولوژیکی مدارس را پیشنهاد می‌دهد.

به نظر پژوهشگر استفاده از مدارس به عنوان مراکز تربیتی محلی بعد از ساعت مدرسه، ارتباط خانواده‌ها و جامعه محلی را بیشتر خواهد کرد و مدرسه کارکردهایی به غیر از انتقال دانش به کودکان و نوجوانان نیز پیدا خواهد کرد. به نظر پژوهشگر ایجاد بستری برای ارایه فیلم‌های آموزشی معلمان و ایجاد انگیزه‌های اقتصادی برای معلمان (مثل مبالغی که یوتیوب به ازای بازدید پرداخت می‌کند) مسیر جدیدی را می‌تواند ایجاد کند.

طراحی دقیق استانداردهای معلمی و طراحی دقیق نظام گزینش تخصصی معلمان پیشنهاد می‌شود.

به نظر پژوهشگر ایجاد بستر نقد ایدئولوژی‌های حاکم آموزش و پرورش و دعوت از افراد منتقد برای طراحی نظام ایدئولوگ منعطف یک کار پیچیده، عمیق و تخصصی است که با اراده حاکمیت در یک فرآیند علمی امکان پذیر است.

موازن اخلاقی

ملاحظات اخلاقی در پژوهش با جلب رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان رعایت شده است؛ هم‌چنین به افراد درباره محرمانه بودن نتایج اطمینان داده شد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان پژوهش حاضر بر خود لازم دانستند که از کلیه افرادی که در پژوهش شرکت نمودند، کمال تشکر و سپاس خود را ابراز نماید.

مشارکت نویسندگان

نویسنده این پژوهش در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی سازی نقش داشت.

- Sharapour, M. (2016) Can education change the society? Social Science Book Review Quarterly, Volume 4, Number 15 and 16
- Taheri Meneh, M. (2014) Analyzing the images of the future of the Iranian society in the minds of the country's youth, doctoral thesis on future studies, University of Tehran.
- Tony Belpaeme, J., & Aditi Ramachandran, B. (2018), Social robots for education. <https://www.researchgate.net>
- Turunen, H., & Bondas, T. (2013). Content analysis and thematic analysis: Implications for conducting a qualitative descriptive study. Nursing & health sciences, 15(3), 398 -405. (Persian).
- Yuval N. (2016). Homo Deus: A Brief History of tomorrow, London, Vintage
- analysis of upper secondary schools in Stockholm ,Sweden
- Mirzaei, Kh. (2016) Qualitative research: research, research and research paper writing. Fujan Publishing, Tehran.
- Moghads, B. (2016) article investigating the current situation of the fundamental transformation and development of Iran's educational system in the manner of critical discourse, the third international research conference in German science and technology. Organisation for Economic Co-operation and Development. (2018). OECD Learning Framework 2030
- Paya, A., & Ebrahimabadi, H. (1401) University article and expectations from it in the next few decades: evolution in responsibilities and functions, Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities, Volume 14, Number 3